

خوانش رمان سرگذشت ندیمه اثر مارگرت آتوود بر اساس چهارچوب تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

معصومه اسداله شریفی^۱

زهره صفوی زاده سهی*^۲

فاطمه عظیمی فرد^۳

مرجان طاهری اسکویی^۴

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل سطح نوشتاری مارگرت آتوود در رمان سرگذشت ندیمه از منظر تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف می‌پردازد. این تحلیل از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین صورت گرفته است. در سطح توصیف، ویژگی‌های زبانی و ساختاری اثر بررسی شده است. در سطح تفسیر، گفتمان‌های قدرت که در رمان شکل می‌گیرند، تحلیل و مشخص شده که زبان در این اثر چگونه برای بازنمایی روابط قدرت و سرکوب به کار رفته است. در نهایت، در سطح تبیین، فرایند بازتولید و چالش هژمونی قدرت از طریق زبان تبیین گشته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که آتوود با به کارگیری آگاهانه این سازوکارها، گفتمان قدرت را آشکار ساخته است. این مطالعه بر اهمیت تحلیل گفتمان انتقادی در خوانش متون ادبی به عنوان بازتابی از روابط قدرت در جامعه تأکید می‌ورزد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف، گفتمان قدرت، ایدئولوژی، سرگذشت ندیمه.

shrfshadi@gmail.com

۱ دانشجوی دکتری گروه زبان شناسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

Naghme_linguist@yahoo.com

۲ استادیار گروه زبان شناسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران. نویسنده مسئول

Aziifard_m@mail.com

۳ دکتری زبان شناسی، پژوهشگر ارشد صدا و سیما.

Ms osgoei@yahoo.com

۴ استادیار گروه زبان شناسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

زمستان ۱۴۰۳ ❖ شماره ۶۲ ❖ دوره پانزدهم ❖ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی

۱- پیشگفتار

تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان یکی از رویکردهای مهم در مطالعات زبان‌شناختی و اجتماعی، به بررسی رابطه بین زبان، قدرت و ایدئولوژی می‌پردازد. در این میان، نورمن فرکلاف از نظریه‌پردازان برجسته این حوزه، با ارائه مدل سه‌بعدی خود، تحلیلی نظام‌مند از گفتمان را ارائه کرده است که تأثیر قابل توجهی بر نقد ادبی و مطالعات فرهنگی داشته است. چهارچوب نظری این پژوهش براساس نظریه «نورمن فرکلاف» است. فرکلاف (۱۹۹۲ الف) معتقد است تحلیل گفتمان انتقادی دو هدف عمده که عبارت‌اند از اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت و افزایش هشیاری در نقش حاکم شدن زبان را دنبال می‌کند.

این رویکرد به منتقدان ادبی کمک می‌کند تا ایدئولوژی‌های نهفته در متون ادبی را آشکار کنند. برای مثال، بررسی رمان‌های تاریخی از این منظر می‌تواند نشان دهد که چگونه گفتمان‌های قدرت، روایت‌های خاصی از تاریخ را ترویج می‌کنند.

فرکلاف (۲۰۱۰) بر این باور است که گفتمان‌ها همواره در خدمت تثبیت یا مقاومت در برابر قدرت هستند. در نقد ادبی، این امر به تحلیل روابط قدرت و فرودست در متون می‌انجامد. تحلیل گفتمان انتقادی متن را در بستر تاریخی و اجتماعی آن بررسی می‌کند. این امر به درک بهتر تأثیر متقابل ادبیات و جامعه کمک می‌کند. فرکلاف (۲۰۱۰) بر فعال بودن خواننده در

فرایند معناسازی تأکید دارد. از این منظر، نقد ادبی نه تنها به نویسنده، بلکه به چگونگی تفسیر متن توسط خوانندگان در شرایط مختلف اجتماعی می‌پردازد.

مارگرت اتوود^۵، نویسنده، شاعر و منتقد ادبی سرشناس کانادایی، از مهم‌ترین چهره‌های ادبیات معاصر جهان به شمار می‌رود. او که در سال ۱۹۳۹ به دنیا آمد، با آثاری ژرف و پررمزوراز، به‌ویژه در ژانرهای علمی - تخیلی، فمینیستی و پادآرمانشهری، شهرت یافته است. رمان مشهور «سرگذشت ندیمه» (۱۹۸۵) که به ظلم نظام‌های تمامیت‌خواه و سرکوب زنان می‌پردازد، از شاهکارهای اوست و با اقتباس سریال تلویزیونی توجه جهانیان را به خود جلب کرد. اتوود در آثار دیگری مانند «آدمکش کور» (برنده بوکر ۲۰۰۰) و «وصیت‌ها» (برنده بوکر ۲۰۱۹) نیز نگاهی تیزبین به مسائل اجتماعی، محیط‌زیست و قدرت دارد. سبک منحصر به فرد او در ترکیب واقعیت و تمثیل، همراه با نثری شاعرانه، او را به نویسنده‌ای تأثیرگذار تبدیل کرده است. رمان «سرگذشت ندیمه» به عنوان یکی از شاهکارهای ادبیات پادآرمان‌شهری، تصویری هولناک از جامعه گلیاد^۶ ارائه می‌دهد که در آن ساختارهای قدرت مبتنی بر جنسیت، ایدئولوژی مذهبی افراطی و کنترل زبانی، ابزاری برای سرکوب و انقیاد زنان است. این اثر، نه تنها روایتی از مقاومت فردی در برابر نظام‌های تمامیت‌خواه است، بلکه بازتابی انتقادی از نابرابری‌های اجتماعی در جهان واقعی محسوب می‌شود. تحلیل این رمان از منظر تحلیل گفتمان انتقادی با تکیه بر چهارچوب نظری نورمن فرکلاف، ابزاری کارآمد برای کشف لایه‌های پنهان ایدئولوژی، قدرت، و مقاومت در گفتمان‌های حاکم بر متن است.

^۵. Margaret Atwood

^۶. Gilead

این مقاله با به کارگیری چهارچوب فرکلاف، به بررسی تعامل پیچیده بین زبان، قدرت و ایدئولوژی در «سرگذشت ندیمه» می‌پردازد. پرسش اصلی، آن است که چگونه گفتمان‌های حاکم بر روایت، همسو با سازوکارهای اجتماعی گلیاد به بازتولید قدرت مردانه و حذف عاملیت زنان کمک می‌کنند؟ و در مقابل، چگونه راوی با استفاده از استراتژی‌های زبانی، روایتگری را به مثابه عملی مقاومت گرایانه بازتعریف می‌کند؟

از طریق تحلیل لایه‌های متنی از قبیل استعاره‌ها و واژگان ایدئولوژیک، فرایندهای گفتمانی از قبیل بینامتنیت با متون مذهبی و تاریخی و ارتباط آن با بافت‌های گسترده‌تر اجتماعی مانند جنبش‌های فمینیستی و رژیم‌های تمامیت‌خواه، این پژوهش نشان می‌دهد که آتوود چگونه با بازآفرینی گفتمان‌های سرکوبگر، هشدارهای علیه خطرات عینیت یافتن چنین ایدئولوژی‌هایی در جهان واقعی ارائه می‌دهد. این تحلیل، در نهایت بر اهمیت ادبیات به‌عنوان عرصه‌ای برای نقد گفتمان‌های قدرت تأکید می‌کند.

این پژوهش با اتکا به چهارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (۲۰۱۰)، به بررسی این پرسش‌های کلیدی می‌پردازد:

۱. گفتمان رسمی گلیاد چگونه از سازوکارهای زبانی برای تثبیت و طبیعی‌سازی قدرت استفاده می‌کند؟
۲. راوی داستان (آفرد)^۷ از چه راهبردهای گفتمانی برای مقاومت در برابر این نظام بهره می‌گیرد؟
۳. چگونه تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند لایه‌های پنهان ایدئولوژیک این اثر ادبی را آشکار سازد؟

۲- پیشینه پژوهش

^۷. Offred

پس از مرور پژوهش‌های متعدد در ارتباط با تحلیل گفتمان انتقادی به چند پژوهش در قالب مقاله برخوردیم که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

ادوارد سعید (۱۹۹۳) در تحلیل گفتمان استعماری در «قلب تاریکی» جوزف کنراد نشان می‌دهد که چگونه رمان از استعاره‌های زبانی برای نقد نئولیبرالیسم و نابرابری‌های اقتصادی استفاده می‌کند.

فرکلاف و وداک (۱۹۹۷) در تحلیل گفتمان انتقادی رمان «۱۹۸۴» جورج اورول با استفاده از چهارچوب CDA، نشان می‌دهند که اورول از زبان به عنوان ابزار کنترل ایدئولوژیک در جامعه توتالیتار پرده‌برداری می‌کند. تمرکز اصلی بر روی مفاهیم زبان نو و تحریف گفتمان سیاسی است.

وندایک (۲۰۰۵) در بررسی گفتمان نژاد و قدرت را در رمان «نفرین‌شده» تونی موریسون بررسی می‌کند. کاربرد گفتمان‌ها نشان‌دهنده بازتولید گفتمان‌های نژادپرستانه و مقاومت گفتمانی شخصیت‌های سیاه‌پوست است.

بیکر (۲۰۰۶) در بررسی گفتمان مهاجرت در «کشور دشمن» محمدحسین محمدی (رمان افغانستانی) نشان می‌دهد که چگونه زبان، هویت مهاجران را به عنوان «دیگری» بازنمایی می‌کند.

میلز (۲۰۰۸) در تحلیل گفتمان جنسیت در «آوای وحش» جک لندن با روش CDA، کلیشه‌های مردانه حاکم بر گفتمان

طبیعت و حیوانات را در رمان تحلیل می‌کند.

جهانگیری و بندرریگی زاده (۱۳۹۲) در مقاله «زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد "انتقادی" نورمن فرکلاف»، به کاوش در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی می‌پردازند و می‌کوشند تا با استفاده از نظریات یکی از اعضای پیشروی آن یعنی «نورمن فرکلاف»، به آشکارسازی خصوصیات این رویکرد و وجوه تمایز آن از سایر رویکردهای تا حدی مشابه بپردازند و رابطه میان زبان، قدرت و ایدئولوژی را در آن مورد بررسی قرار دهند. با توجه به نقشی که زبان در ساختار قدرت ایفا می‌کند، زبان یک گروه، تبدیل به ایدئولوژی حاکم می‌شود.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی رمان چهارگانه "الخسوف" براساس رویکرد "نورمن فرکلاف"» سعی دارند تا به صورت توصیفی - تحلیلی، سه سطح گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف را در بخش‌های چهارگانه رمان «الخسوف»، مورد بررسی قرار دهند و با استفاده از باهم آبی و تکرار واژگان، به کارگیری واژگان متضاد و استفاده از استعاره - های مفهومی و بلاغی، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را تبیین کنند. این رمان با گفتمانی ضد استعماری به بیان مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه لیبی در زمان استعمارگران اروپایی، تقابل سنت و مدرنیته و ... می‌پردازد و با تقویت روحیه مبارزه طلبی، به دنبال کسب مفاهیمی چون آزادی و تغییر است.

حاجی زاده و قهرمان پور (۱۳۹۸) در پژوهش «بررسی و نقد رمان ام‌سعد و دختر شینا براساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» می‌کوشند تا با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه، جنبه‌های ادبی و اجتماعی رمان «ام‌سعد» نوشته غسان کنفانی و «دختر شینا» اثر بهناز ضرابی زاده را بر پایه الگوی گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی کنند. در سطح توصیف،

صحنه‌پردازی بخش قابل توجهی از این دو رمان را به خود اختصاص می‌دهد. این تصویرپردازی‌ها به خواننده کمک می‌کند تا به درک عمیقی از موضوع و درون‌مایه اصلی داستان و رمان دست یابد. در سطح تفسیر، بافت موقعیتی داستان بررسی می‌شود که زمان در رمان «امّ سعد» به سال‌های اشغال فلسطین به وسیله اشغالگران صهیونیستی و در «دختر شینا» به سال‌های جنگ بین ایران و عراق برمی‌گردد. در سطح تبیین که بیانگر ایدئولوژی نویسنده است، مبارزه و مقابله با اشغال وطن و پایداری و مقاومت جلوه می‌کند. همچنین در بافت درونی، تفکر مبارزه با اشغال و پایداری و مقاومت مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

بهرامی و آریان (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی رمان "ماهی‌ها در شب می‌خوابند" براساس آرای نورمن فرکلاف» با روش توصیفی - تحلیلی، مسئله چگونگی شکل‌گیری گفتمان انتقادی را در این رمان بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که در سطح توصیف، کاربرد فراوان دشواژه‌ها از سوی مردان، قطع کلام زنان، تقابل‌های دوگانه، قرار گرفتن قهرمان در آشپزخانه و خانه، بسامد فراوان وجه اخباری در جهت قطعیت کلام، کنشگر بودن زنان و به کار بردن واژه‌های استعاری، نمود برجسته دارد. در سطح تفسیر و از منظر بینامتنیت، این رمان تحت تأثیر آرای ویرجینیا وولف و سیمون دوبوار در جهت اعتراض به وضعیت زنان به رشته تحریر درآمده است. در سطح تبیین نیز می‌توان به هژمونی مردسالاری و قدرت‌یابی مردان و سرکوب زنان دست یافت.

شرکت مقدم و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش «تحلیل گفتمان انتقادی "شما که غریبه نیستید" براساس رویکرد نورمن فرکلاف»، گفتمان بی‌سوادی متن را در سه لایه توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل کرده‌اند. در سطح توصیف انتخاب واژگان، دستور زبان، انسجام متن، هم‌نشینی کلمات، ضمائر، جملات معلوم و مجهول و جنبه‌های استعاری بررسی شده، قدرت کلام،

بینامتنیت و نظم گفتمانی داستان مطالعه شده و در سطح تبیین، به تحلیل متن، به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت پرداخته شده است.

در این پژوهش، با بهره گیری از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف»، بر آن بودیم تا رمان «سرگذشت ندیمه» را با مطالعه ای دقیق مورد تحلیل قرار دهیم.

۳- چهارچوب نظری پژوهش

۱- ۳- تحلیل گفتمان انتقادی به مثابه نظریه

تحلیل پیکره این پژوهش براساس رویکرد نظری «تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف» انجام می شود. «نورمن فرکلاف» تحلیل گفتمان را به عنوان یک رخداد زبانی، بخشی از عمل اجتماعی به حساب می آورد و به جنبه های غیرگفتمانی امور اجتماعی نیز توجه دارد. روش تحلیل گفتمان «نورمن فرکلاف» متشکل از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است که این روش از قدرت تبیین کنندگی بیشتری برخوردار است. مزیت دیگر انتخاب این چهارچوب تأکید بر نقش قدرت و ایدئولوژی به مثابه شرایط فرامتنی موثر بر تحلیل گفتمانی است. بنابراین معرفی این رویکرد ضروری می نماید.

«نورمن فرکلاف» (۱۹۹۵) اولین فردی بود که هنگام پیشنهاد یک نظریه گفتمانی و بررسی تغییرات اجتماعی، از رویکرد انتقادی استفاده نمود. فرکلاف بر این باور تأکید دارد که متن، معنی را به وسیله ویژگی های زبانی انتقال نمی دهد، بلکه معنی به واسطه ساختارهای گفتمان مدار، تولید و درک می شود و این معنا نشان دهنده ایدئولوژی خاص و یا شیوه های کنترل و دستکاری روابط قدرت است. (ک: قاسمی، ۲۰۱۹: ۱۱) «نورمن فرکلاف» (۲۰۱۰) تحلیل گفتمان انتقادی را تحلیل رابطه متن و سطوح مختلف بافت اجتماعی تلقی می کند و هدف تحلیلگر را تبیین رابطه بین متن زبانی، فرایندهای تولید و تفسیر و

بافت در نظر می‌گیرد. روش تحلیل فرکلاف در سه سطح قابل‌پیگیری است:

۱. توصیف: تحلیل ویژگی‌های صوری متن. در این سطح، تحلیل گفتمان انتقادی بر شاخص‌های زبان‌شناختی متن متمرکز

است و ویژگی‌های زبانی متن براساس چهارچوب نظری پژوهش بررسی می‌گردد.

۲. تفسیر: بررسی و توضیح روابط موجود در بین فرایندهایی را که موجب تولید و درک گفتمان موردنظر می‌گردند،

شامل می‌شود. در این سطح چهارچوب‌های ایدئولوژیک نمایان می‌گردد و عمل‌های گفتمانی از قبیل بافت، زمینه و

انواع گفتمان تحلیل می‌شوند.

۳. تبیین: مطالعه ارتباط بین تعامل و بافت اجتماعی و توضیح رابطه بین عناصر گفتمانی و اجتماع در حین توجه به سابقه و

زمینه فرهنگی آن گفتمان است. در این سطح گفتمان به‌عنوان کنش اجتماعی بررسی می‌شود، به نظریه اجتماعی

پرداخته می‌شود و زیربنای ایدئولوژیکی را که در سطح تفسیر وجود دارد، آشکار می‌گردد. نظریه اجتماعی، فضایی

جهت تبدیل تحلیل گفتمان غیرانتقادی به انتقادی می‌سازد، گفتمان به سطح معنا می‌رسد و روابط قدرت و ابعاد

ایدئولوژیکی گفتمان تحلیل می‌گردد.

نکته محوری رویکرد فرکلاف این است که گفتمان گونه مهمی از کنش اجتماعی است که دانش، هویت‌ها و روابط

اجتماعی ازجمله مناسبات قدرت را بازتولید می‌کند و تغییر می‌دهد و هم‌زمان سایر کنش‌ها و ساختارهای اجتماعی به آن

شکل می‌بخشند. به این ترتیب، گفتمان رابطه‌ای دیالکتیکی با سایر ابعاد اجتماعی دارد. فرکلاف ساختار اجتماعی را روابط

اجتماعی در کل جامعه و نهادهای خاص و درعین حال متشکل از عناصر گفتمانی و غیرگفتمانی می‌داند. (ر.ک: فرکلاف،

۱۹۹۲ب: ۶۴)

2- 3- تحلیل گفتمان انتقادی به مثابه روش

سرگذشت ندیمه، داستانی است که در یک جامعه دیکتاتوری به نام جمهوری گلیاد روایت می‌شود. در این جامعه، زنان تحت سلطه‌ای شدید قرار دارند و نقش‌های اجتماعی آنها به شدت محدود شده است. داستان از زبان شخصیت اصلی، آفرد^۸، که یک ندیمه است، نقل می‌شود. تحلیل گفتمان در این اثر می‌تواند به دو سطح عمده تقسیم شود: زبان و گفتمان‌های حاکم بر ساختار اجتماعی.

۱. سطح نوشتاری و انتخاب زبان

آتوود در سرگذشت ندیمه از زبان ساده اما پر از بار معنایی استفاده کرده است. زبان در این رمان علاوه بر اینکه ابزاری برای بیان داستان است، به عنوان یک وسیله برای نمایاندن روابط قدرت و سرکوب نیز عمل می‌کند. این زبان نه تنها برای توصیف وضعیت زنان در جمهوری گلیاد، بلکه برای انتقال مفهوم کنترل و سرکوب فیزیکی و روانی به کار می‌رود.

از منظر فرکلاف، این زبان به نوعی بازتولیدکننده ساختارهای اجتماعی است. آتوود با استفاده از زبان محدود و برخی واژگان خاص مانند «ندیمه»^۸، «مستعمره»^۹ و «فرمانده»^{۱۰} به طور ناخودآگاه گفتمان‌های سلطه‌گر را در ذهن خواننده نهادینه می‌کند. این واژگان علاوه بر اینکه جنبه توصیفی دارند، به ایجاد فضایی از بی‌قدرتی و کنترل بر افراد کمک می‌کنند.

^۸. Offred

۲- نقش گفتمان‌ها در تولید هژمونی

یکی از جنبه‌های مهم تحلیل گفتمان انتقادی در سرگذشت ندیمه بررسی نحوه تولید و بازتولید هژمونی است. در جمهوری گلیاد، گفتمان‌های حاکم بر زندگی زنان به‌طور کامل تحت سلطه ایدئولوژی مذهبی و اجتماعی قرار دارد. زنان تحت فشار گفتمان‌های مذهبی و اخلاقی مجبور به پذیرش وضعیت خود هستند و قدرت‌های حاکم از طریق زبان و گفتمان‌های مذهبی، خود را مشروعیت می‌بخشند.

در این رمان، گفتمان‌های دینی و اخلاقی به‌عنوان ابزارهایی برای سرکوب و کنترل عمل می‌کنند. آتوود با استفاده از زبان، این گفتمان‌ها را در بطن روایت خود وارد می‌کند تا نشان دهد که چگونه این گفتمان‌ها می‌توانند به‌طور طبیعی و خودبه‌خود وضعیت‌های نابرابر و ناعادلانه را حفظ کنند. از این منظر، گفتمان‌های مذهبی به ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به سرکوب تبدیل می‌شوند.

۳- گفتمان‌های مقاومت و چالش

در مقابل گفتمان‌های قدرت، گفتمان‌هایی نیز در سراسر رمان وجود دارند که به نوعی به مقاومت و چالش با وضعیت موجود اشاره دارند. شخصیت آفرد با وجود اینکه در یک وضعیت بسیار تحت سلطه قرار دارد، از طریق افکار و یادآوری‌های خود به چالش کشیدن وضعیت موجود را آغاز می‌کند. این گفتمان‌های مقاومت در مقابل گفتمان‌های حاکم، نشانه‌ای از امکان مقاومت در برابر هژمونی سلطه‌گر هستند.

آتوود با استفاده از زبان و انتخاب واژگان خاص، به این گفتمان‌های مقاومت فضا می‌دهد. این گفتمان‌ها معمولاً به صورت زبان درونی و مناقشات ذهنی شخصیت‌ها ظاهر می‌شوند، جایی که خواننده می‌تواند تضاد میان واقعیت بیرونی و تفکرات درونی شخصیت‌ها را مشاهده کند. این تضادها، بازتابی از مبارزه گفتمانی در درون خود شخصیت‌ها و نیز در جامعه است.

نورمن فرکلاف تحلیل گفتمان انتقادی را به عنوان روشی برای کشف رابطه دیالکتیکی بین زبان، قدرت و ایدئولوژی معرفی می‌کند. الگوی سه سطحی او شامل موارد زیر است:

سطح توصیف: تحلیل ویژگی‌های زبانی متن در سطح خرد شامل:

- گزینش واژگانی
- استعاره‌ها
- وجهیت
- اسم‌سازی
- روابط بینامتنی

سطح تفسیر

بررسی رابطه متن با شرایط تولید و تفسیر آن شامل:

- بافت موقعیتی
- دانش زمینه‌ای
- روابط بینامتنی
- نوع گفتمان

سطح تبیین

تحلیل ارتباط گفتمان با ساختارهای کلان اجتماعی شامل:

- روابط قدرت
- ایدئولوژی‌های قدرت
- نهادهای اجتماعی.

۴- تحلیل داده‌ها

نگارندگان در این پژوهش با تمرکز بر سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، سازوکارهای زبانی بازتولید کننده قدرت و ایدئولوژی را بررسی می‌نمایند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از تکنیک‌های تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، متن کامل رمان «سرگذشت ندیمه» در نسخه اصلی انگلیسی و ترجمه فارسی آن است.

نمونه‌ها براساس معیارهای زیر انتخاب شده‌اند:

۱. نمونه‌های بازنمایی‌کننده گفت‌وگوهای رسمی گلیاد

۲. بخش‌های حاوی گفت‌وگوهای قدرت

۳. گفت‌وگوهای بین شخصیت‌های اصلی

۴. بخش‌های روایی کلیدی

سطح توصیف^۹

در سطح توصیف، نگارندگان به شناسایی ویژگی‌های ظاهری و ساختاری متن می‌پردازند. این مرحله به تبیین زبان‌شناختی و

نحوه استفاده از زبان در رمان اختصاص دارد.

ساختار زبانی و سبک نگارش: زبان در «سرگذشت ندیمه» به‌طور عمده با استفاده از جملات کوتاه و مستمر بیان می‌شود. زبان

اول شخص و محدود بودن دیدگاه شخصیت اصلی، یعنی «آفرد» باعث می‌شود که خواننده تنها از طریق او به جهان بیرونی

دست یابد. این سبک نگارش حس محصور بودن را تقویت می‌کند.

^۹. Description

انتخاب واژگان: واژگان انتخابی آتوود، به‌ویژه در توصیف وضعیت زنان و نقشی که در گلیاد دارند، عمیقاً تحت تأثیر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی آن دوران است. واژگانی چون «ندیمه» و «ملکه» به‌طور ضمنی تصاویری از روابط اجتماعی و سیاسی خاصی را تداعی می‌کنند.

مفاهیم زبانی: مفاهیم خاصی مانند «آزادی»، «سرکوب» و «مقاومت» به‌طور مکرر در سراسر رمان ظاهر می‌شوند که نشان‌دهنده پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی در جهان داستانی است.

در این سطح، تمرکز بر شناسایی و توصیف دقیق گفتمان‌ها و ساختارهای زبانی است که در متن مشاهده می‌شود. این گفتمان‌ها از طریق واژه‌ها و اصطلاحات مختلف به تصویر کشیده می‌شوند که نشان‌دهنده روابط قدرت، سرکوب و نظام‌های اجتماعی حاکم بر جمهوری گلیاد هستند.

مثال‌های واژگانی و توصیف‌های زبانی:

ندیمه

این واژه به‌طور مکرر در رمان برای توصیف موقعیت‌های مختلف به کار می‌رود. «ندیمه» تنها یک عنوان نیست، بلکه نشان‌دهنده نقشی است که به زنان تحمیل می‌شود: تولیدمثل به‌عنوان تنها هدف و وظیفه اجتماعی آنان. در ابتدای رمان، شخصیت‌های زن با عنوان «ندیمه» خطاب می‌شوند. این واژه نمایانگر نقش محدود و تبعیض‌آمیز زنان در جمهوری گلیات است و به‌طور مستقیم به جایگاه بی‌قدرت آنان در جامعه اشاره دارد:

زمستان ۱۴۰۳ ❖ شماره ۶۲ ❖ دوره پانزدهم ❖ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی

«ما ندیمه‌ها دیگر هیچ چیز نیستیم جز ابزارهایی برای تولیدمثل.» (آتوود، ۱۹۸۵: ۱۱۰)

۱

فرمانده

«فرمانده» عنوانی است که به مردان با قدرت در جمهوری گلیاد اطلاق می‌شود. این عنوان، معنای قدرت مطلق و اختیار کامل

را در خود دارد که از طریق این واژه به‌طور مداوم در گفتمان به تصویر کشیده می‌شود:

«فرمانده به من نگاه کرد، نگاهش سرد و بی‌احساس بود، مثل همیشه.» (همان: ۲۵)

خانه‌های مستعمره

این اصطلاح به مکان‌هایی اشاره دارد که در آن زنان نافرمان یا عقیم‌شده به تبعید می‌روند. در سطح توصیف، این واژه با

شرایط بی‌رحمانه و کنترل‌شده موجود در گلیاد پیوند دارد. این اصطلاح نشان‌دهنده جایی است که زنان به‌طور فیزیکی و

روانی تحت سلطه قرار دارند:

«خانه‌های مستعمره جایی است که ما را به کار می‌فرستند، جایی برای زنانی که دیگر برای تولیدمثل مفید نیستند.» (همان:

۲۳۸)

آزادی

آزادی در این رمان نه تنها مفهومی سیاسی، بلکه اجتماعی و روانی است که به‌طور مصنوعی تعریف شده و در گلیاد به شکلی

تحریف شده و محدود به کار می‌رود. آزادی در این رمان به مفهومی دگرگون شده تبدیل شده است. زنان در گلیاد هیچ

آزادی ندارند و «آزادی» تنها در قالب‌های محدود دینی و اجتماعی تعریف می‌شود:

«آزادی یعنی اینکه هیچ چیز نمی‌دانیم. هیچ چیزی که بخواهیم در موردش سؤال کنیم.» (همان: ۲۴)

افکار خطرناک

«افکار خطرناک» واژه‌ای است که به طور خاص به افکار و آرزوهای زنان اشاره دارد که برخلاف قوانین جمهوری گلیاد است. در سطح توصیف، این واژه‌های منفی به سرکوب اندیشه‌ها و اعتراضات شخصیت‌ها می‌پردازد. در تحلیل گفتمان‌های مقاومتی، افکار درونی شخصیت‌ها به عنوان گفتمان‌های چالشگر و مقاومتی شناخته می‌شوند. یکی از ویژگی‌های رمان این است که شخصیت‌ها از افکار «خطرناک» خود به عنوان نشانه‌ای از مقاومت استفاده می‌کنند:

«باید از افکار خطرناک دوری کنم، اما هیچ وقت نتوانستم از فکر کردن به آنها دست بردارم.» (همان: ۷۳)

سرکوب

سرکوب از ویژگی‌های بارز جمهوری گلیاد است که به طور سیستماتیک بر روی زنان اعمال می‌شود. این واژه در توصیف وضعیت شخصیت‌ها به کار می‌رود:

«ما در اینجا به طور مداوم سرکوب می‌شویم، برای اینکه چیزی جز وسایل تولیدمثل نباشیم.» (همان: ۹۳)

پاک‌سازی

گفتمان مذهبی و اخلاقی در گلیاد به شکلی افراطی بر مفهوم «پاک‌سازی» تأکید دارد، که در آن زنان به‌عنوان مظهر گناه و

نیاز به پاک‌سازی معرفی می‌شوند:

«پاک‌سازی تنها از طریق تسلیم کامل به دستورها و فرمان‌ها ممکن است.» (همان: ۸۵)

گفتمان مذهبی

گفتمان مذهبی در رمان، نقش تعیین‌کننده‌ای در توجیه سلطه‌گری و سرکوب دارد. در این گفتمان، قدرت دینی برای

مشروعیت دادن به کنترل اجتماعی به کار می‌رود:

«فرمانده به ما گفت که این همه‌چیز برای خداست، باید تسلیم شویم و خود را به او بسپاریم.» (همان: ۱۰۵)

خود را گم کرده‌ام

این جمله از آفرد، شخصیت اصلی، بازتاب‌دهنده وضعیت روانی سرکوب‌شده و بی‌هویت شدن افراد در جمهوری گلیاد است.

این عبارت می‌تواند به‌عنوان گفتمان سرکوبی که فرد را از هویت خود محروم می‌کند، تفسیر شود:

«هر روز بیشتر از قبل خودم را گم کرده‌ام، دیگر نمی‌دانم کی هستم.» (همان: ۹۳)

دستورات

دستورات، به‌ویژه در قالب دستورات مذهبی و اجتماعی، یکی از گفتمان‌های سلطه‌گرا در جمهوری گلیاد است که بر رفتار و کردار شخصیت‌ها حاکم است:

«دستورها به‌طور مداوم به ما داده می‌شد، همیشه به ما می‌گفتند که باید از آنها اطاعت کنیم.» (همان: ۳۴)

سطح تفسیر

در این سطح، تحلیل گفتمان به معنا و تفسیر عمیق‌تری از متن می‌پردازد. در اینجا، چگونگی بازتاب واقعیت‌های اجتماعی و قدرت از طریق زبان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- زبان و هویت: از طریق گفتمان حاکم در رمان، آتوود به بررسی مفاهیمی چون هویت فردی و جمعی پرداخته است. زنان در گلیاد به ابزارهایی برای تولیدمثل تبدیل شده‌اند، و زبان دقیقاً این جایگاه اجتماعی و کارکرد آنها را منعکس می‌کند. به عبارت دیگر، استفاده از زبان در این جامعه برای کنترل و شکل دادن به هویت‌های فردی و اجتماعی زنان صورت می‌گیرد.

- روابط قدرت: در گلیاد، زبان ابزاری برای تسلط و سرکوب است. از طریق گفتمان‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، افرادی که در بالای هرم قدرت قرار دارند، از زبان به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به نظام سرکوبگر خود استفاده می‌کنند.

• مکان و فضای روایت: فضای سرکوبگرانه و کنترل شده که از طریق زبان در متن ایجاد شده است، نشان‌دهنده

چگونگی ساخت و کنترل فضا و زمان در گلیاد است. این فضا به‌طور خاص با مکان‌هایی چون اتاق‌های «سرور» یا

«بازار» نشان داده می‌شود که در آنها نظارت شدید و کنترل بر زندگی روزمره وجود دارد.

در سطح تفسیر، تمرکز بر کشف معانی پنهان و پیام‌های سیاسی و اجتماعی است که در پشت این گفتمان‌ها و واژه‌ها قرار

دارند. این سطح به تحلیل نحوه تأثیر این گفتمان‌ها بر هویت‌ها، روابط اجتماعی و ساختار قدرت می‌پردازد و نشان می‌دهد که

چگونه زبان به‌عنوان ابزار قدرت یا مقاومت عمل می‌کند.

مثال‌های واژگانی و تفسیرها:

ندیمه

استفاده از این واژه به‌عنوان برجستگی برای زنان، تفسیر می‌شود که آنها تنها ابزارهایی برای تولیدمثل در جمهوری گلیاد هستند.

این کاربرد نشان‌دهنده سلطه‌گری ساختار اجتماعی است که زنان را از هویت فردی و حقوق انسانی خود محروم می‌کند و

آنها را به اجزای یک سیستم تولیدمثل تبدیل می‌کند.

فرمانده

واژه «فرمانده» نمایانگر روابط سلطه و قدرت است. فرمانده‌ها نماد کسانی هستند که توانایی تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت افراد را دارند. این واژه به‌طور ضمنی گویای سلسله‌مراتب اجتماعی و نقش زنان به‌عنوان تابعین است.

خانه‌های مستعمره

«خانه‌های مستعمره» به‌عنوان مکانی برای از بین بردن زنان نافرمان، در واقع تفسیر گفتمانی از استثمار و تنبیه است. این مکان‌ها به‌عنوان نهادهای مجازات، نه تنها زنان را از جامعه بیرون می‌رانند، بلکه وجود آنها را به چیزی کمتر از انسان و بیشتر از ابزار تولیدمثل تنزل می‌دهند.

آزادی

مفهوم آزادی در گلیاد به گونه‌ای تحریف‌شده ارائه می‌شود. در جمهوری گلیاد، آزادی چیزی جز ابزار سرکوب و کنترل نیست. این تحلیل نشان می‌دهد که گفتمان‌های آزادی‌خواهانه در واقع برای حفظ وضعیت موجود و تقویت سلطه بر گروه‌های آسیب‌پذیر به کار گرفته می‌شوند.

افکار خطرناک

افکار خطرناک نه تنها به عنوان گفتمانی سرکوبگر معرفی می شوند، بلکه به عنوان ابزار مقاومت در برابر سلطه گری نیز می توانند تفسیر شوند. در این سطح، این واژه ها به طور ضمنی به شکاف هایی در دیوار سرکوب اشاره می کنند که شخصیت ها از آن برای سرپیچی از هنجارها استفاده می نمایند.

پیش گویی ها

در جمهوری گلیاد، به ویژه از سوی گفتمان های مذهبی، پیش گویی ها و باورهای دینی به طور مکرر برای توجیه و مشروعیت بخشیدن به سلطه گری و سرکوب به کار می روند:

«ما به عنوان زنان به عنوان پیش گویی های خداوند در نظر گرفته می شویم، در حقیقت ما فقط موجوداتی هستیم که برای هدفی بزرگ تر آفریده شده ایم.» (همان: ۸۵)

تقوا

این واژه در جمهوری گلیاد معنای خاصی پیدا کرده است. تقوا نه به معنای اخلاق و ایمان، بلکه به عنوان ابزاری برای کنترل و نظارت بر رفتار زنان استفاده می شود:

«اگر تقوا نداشته باشی، خواهی مرد. این یک قانون غیرقابل شکستن است.» (همان: ۳۴)

فضیلت

فضیلت در گلیاد مفهومی جدید و تحریف شده دارد. زنان به عنوان نمایندگان فضیلت مجبور به زندگی در شرایطی هستند که

هیچ گونه استقلال یا آزادی نداشته باشند:

«فضیلت یعنی سکوت و اطاعت. فضیلت یعنی بی حس بودن در برابر بی عدالتی.» (همان: ۸۵)

دولت گلیاد

دولت گلیاد به عنوان یک نهاد دینی و ایدئولوژیک، با اعمال شدیدترین کنترل‌ها بر روی زنان، به طور مستمر از زبان و

گفتمان‌های مذهبی برای اعمال قدرت استفاده می کند:

«دولت گلیاد جایی است که تمام ارزشها و باورهای ما باید به آن تابع شوند.» (همان: ۳۴)

دستورها

دستورهای مداوم از سوی فرماندهان و مقام‌های گلیاد، از ابزارهای مهم سلطه‌گری در رمان هستند که به طور مستمر

شخصیت‌ها را تحت کنترل قرار می دهند:

«دستور داده شد که همیشه در خانه بمانیم، هیچ وقت حق رفتن به خیابان‌ها را نداریم.» (همان: ۶۲)

چشم‌ها

این واژه در جمهوری گلیاد به عنوان نمادی از نظارت و کنترل دائم بر افراد به کار می رود. «چشم‌ها» به گفتمان‌های امنیتی و

نظارتی دلالت دارند که به طور مداوم همه جا حاضرند:

«چشم‌ها همیشه اطراف ما هستند. هر کجا برویم، باید مراقب باشیم.» (همان: ۲۴)

آغاز دوباره

این اصطلاح معمولاً در سخنان رسمی مقامات جمهوری گلیاد برای توجیه و تأسیس قوانین جدید به کار می‌رود. این واژه

به‌طور استعاره‌ای، تغییرات سرکوب‌گرانه را تحت عنوان اصلاحات دینی و اجتماعی مشروعیت می‌بخشد:

«آغاز دوباره، بازگشت به روزهای مقدس. این همان چیزی است که در گلیاد به دنبالش هستیم.» (همان: ۳۴)

برکت

در گفتمان‌های دینی گلیاد، کلمه «برکت» اغلب به‌طور معکوس و تحریف‌شده برای توجیه سرکوب و بی‌حقوقی استفاده

می‌شود. برکت در اینجا به‌عنوان ابزاری برای تحمیل قدرت بر افراد است:

«برکت تنها به کسانی داده می‌شود که در خدمت سیستم هستند. اگر از آن سرپیچی کنید، دیگر برکت نخواهید داشت.»

(همان: ۳۴)

تقدس

تقدس به‌طور خاص در زمینه‌های مذهبی و اجتماعی جمهوری گلیاد استفاده می‌شود و به‌عنوان ابزاری برای تحمیل قوانین و

حدود اجتماعی به کار گرفته می‌شود:

«تقدس به معنای کامل اطاعت از قوانین است. هیچ چیز جز آن مجاز نیست.» (همان: ۳۴)

بازگشت به خانه

این اصطلاح در گلیاد به معنای بازگشت زنان به نقش‌های سنتی‌شان است که از آنها به‌عنوان زنان خانه‌دار و تولیدمثل‌کننده استفاده می‌شود. این عبارت در گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی برای مشروعیت بخشیدن به قوانین سخت‌گیرانه استفاده می‌شود؛

«بازگشت به خانه یعنی بازگشت به اصول و ارزش‌هایی که در گلیاد می‌خواهیم حفظ کنیم.» (همان: ۳۴)

سطح تبیین

در سطح تبیین، نگارندگان به بررسی شرایط اجتماعی، تاریخی و فرهنگی که بر تولید و مصرف متن تأثیر می‌گذارد، می‌پردازند. این سطح به تحلیل درک و فهم زمینه‌های اجتماعی و تاریخی متن کمک می‌کند.

- گفتمان اجتماعی و تاریخی: در زمان نگارش «سرگذشت ندیمه»، جنگ سرد و تحولات فمینیستی در دهه ۱۹۸۰ در جریان بود. گفتمان‌های دینی و محافظه‌کارانه که در جامعه آمریکا رشد کرده بودند، در این رمان به‌طور عینی منعکس می‌شوند. آتوود این گفتمان‌ها را به شکلی انتقادی بازسازی کرده است و یک پادآرمان‌شهر تمام‌عیار را به نمایش می‌گذارد که به نوعی نتیجه سرکوبگرانه این گفتمان‌هاست.

• تأثیرات سیاسی و جنسیتی: تحلیل گفتمان در این سطح نشان می‌دهد که آتوود چگونه از طریق زبان به بررسی روابط قدرت و سرکوب‌های جنسیتی در جوامع مدرن پرداخته است. گلیاد بازتابی از خطرات بالقوه در جوامعی است که در آنها زنان به ابزاری برای اهداف سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌شوند.

• نقد اجتماعی و فرهنگی: این رمان، به‌ویژه از منظر نقد اجتماعی، در واکنش به جامعه‌ای نوشته شده است که در آن زنان هنوز به‌طور سیستماتیک مورد سرکوب قرار می‌گیرند. آتوود در این اثر تلاش دارد تا بازتاب‌دهنده مشکلات معاصر در جوامع غربی باشد که نابرابری‌های جنسیتی و قدرت‌های سرکوبگر در آنها وجود دارد.

در سطح تبیین، تحلیل به‌طور عمیق‌تری به بازتولید و تغییرات اجتماعی می‌پردازد و بررسی می‌کند که چگونه این گفتمان‌ها در فرایندهای اجتماعی و سیاسی پیچیده تأثیر می‌گذارند. این سطح به روشن‌سازی روابط قدرت در طول تاریخ و روندهای اجتماعی کمک می‌کند و چگونگی تولید، توزیع و بازتولید قدرت را درون جامعه نشان می‌دهد.

مثال‌های واژگانی و تبیین‌ها:

ندیمه

در سطح تبیین، «ندیمه» به‌عنوان نمادی از هژمونی و ساختارهای اجتماعی است که در آن زنان به‌عنوان اشیای تحت مالکیت دولت و با هدف حفظ نظم اجتماعی به کار گرفته می‌شوند. گفتمان «ندیمه» به‌عنوان ابزاری برای بازتولید مناسبات قدرت در

گلیاد عمل می‌کند. در متن رمان، آتوود از واژه «ندیمه» برای اشاره به زنان که در سیستم جمهوری گلیاد تنها برای تولیدمثل استفاده می‌شوند، استفاده کرده است. این اصطلاح به‌طور مکرر در سراسر کتاب برای توصیف وضعیت زنان به کار رفته است:

(آتوود، ۱۹۸۵: ۱۱۰) "We were the property of the state. We were the Handmaids." (Chapter 11)
(۷۲)

فرمانده

در سطح تبیین، «فرمانده» نماد نظامی از قدرت است که از طریق گفتمان‌های دینی و اجتماعی، قدرت خود را بر بدن و زندگی زنان تحمیل می‌کند. فرمانده‌ها به‌طور ضمنی به‌عنوان بازنمودهای اقتدار و دستوردهی به زنان، به بازتولید نابرابری‌های جنسیتی و ساختارهای دیکتاتوری کمک می‌کنند. این اصطلاح در سراسر رمان برای اشاره به مقام‌های بالای جمهوری گلیاد به کار می‌رود. فرمانده‌ها نقش مرکزی در اعمال سلطه‌گری و کنترل دارند

(همان: ۱۱۰) "The Commander was there. He was the one who gave orders." (Chapter 16)

خانه‌های مستعمره

«خانه‌های مستعمره» به‌عنوان گفتمانی در جهت حذف و حذف‌سازی افراد از جامعه عمل می‌کند. در سطح تبیین، این مکان‌ها نمادهایی از استراتژی‌های سرکوب و بازتولید نابرابری‌ها هستند که با هدف کنار زدن زنان نافرمان و تثبیت نظم اجتماعی و

به عنوان مکان‌هایی برای تبعید زنان نافرمان یا کسانی که به "The Colonies" آتوود از سیاسی سلطه‌گرا نه به کار می‌روند.

عنوان «آلوده» شناخته می‌شوند، استفاده می‌کند

(همان: ۸۵) "The Colonies are where women go to die." (Chapter 13)

آزادی

در جمهوری گلیاد، مفهوم آزادی به‌طور مصنوعی و برای حفظ قدرت، به‌صورت ابزاری برای تغییر روابط قدرت و به‌عنوان روشی برای حفظ وضعیت موجود بازتولید می‌شود. در سطح تبیین، گفتمان آزادی در گلیاد تنها به‌عنوان پوششی برای سرکوب و کنترل بر روی فردیت و هویت زنان عمل می‌کند. در گلیاد، مفهوم آزادی به‌طور معکوس و محدودکننده به کار می‌رود. در اینجا، آزادی بیشتر به مفهوم بی‌اختیاری و سرکوب تبدیل شده است:

(همان: ۲۰۵) "Freedom, like everything else, is a trick, a lie." (Chapter 30)

افکار خطرناک

این گفتمان در واقع نشان‌دهنده تفاوت‌های عمیق میان اندیشه‌های سلطه‌گرا نه و مقاومت است. «افکار خطرناک» می‌تواند در تبیین روابط قدرت نشان‌دهنده تحولاتی باشد که در ذهنیت شخصیت‌ها و جامعه رخ می‌دهد، و بیانگر روندهای مقاومت در

برابر استبداد است. در یکی از بخش‌های رمان، افکار ممنوعه و خطرناک به‌عنوان یکی از ابزارهای مقاومت شخصیت‌ها در

برابر سلطه‌گری معرفی می‌شود:

"I must not think too much. I must not think dangerous thoughts." (Chapter 17) (همان: ۱۲۰)

سرکوب

آتوود سرکوب در جمهوری گلیاد را به‌طور خاص از طریق نظارت دائمی و کنترل شدید زنان نشان می‌دهد:

"Repression is the law of the land. They want us to forget what we knew." (Chapter

12) (همان: ۸۰)

پاک‌سازی

مفهوم پاک‌سازی و تطهیر در جمهوری گلیاد به‌طور ویژه به‌عنوان ابزاری برای اعمال کنترل بر بدن و روان زنان به کار

می‌رود:

"Purity is everything. is freedom." (Chapter 23) (همان: ۱۵۸)

گفتمان مذهبی

گفتمان مذهبی یکی از ارکان قدرت در جمهوری گلیاد است که توسط نهادهای مذهبی به طور مداوم برای توجیه قدرت

استفاده می شود؛

"The Bible is the word of God, and they say we are the hands of God's will." (Chapter 21)

(همان: ۱۴۵)

برکت

در گلیاد، برکت به عنوان ابزاری برای کنترل و مشروعیت دادن به اعمال اجتماعی و سیاسی به کار می رود؛

"Blessed be the fruit." (Chapter 12) (همان: ۸۰)

بازگشت به خانه

بازگشت به خانه و پذیرش نقش های سنتی زنان از دیدگاه جمهوری گلیاد به عنوان امر مقدس و غیر قابل اجتناب معرفی

می شود؛

"Returning to the home is what we are meant to do, that's our fate, our purpose." (Chapter

14) (همان: ۹۵)

پیش گوئی ها

در جمهوری گلیاد، گفتمان مذهبی و دینی برای توجیه اعمال سرکوبگرانه به کار می‌رود و پیش‌گویی‌های دینی بخش مهمی از این گفتمان است. این پیش‌گویی‌ها برای مشروعیت‌بخشی به قوانین سخت‌گیرانه استفاده می‌شوند:

"We are the handmaids of the Lord, the vessels of His grace." (Chapter 11) (همان: ۷۲)

تقوا

در گلیاد، مفهوم تقوا به‌طور عمده در قالب اطاعت از دستورات حاکمان و فرماندهان گلیادی به کار می‌رود و بیشتر از آنکه به معنای اخلاقی بودن باشد، به معنای پذیرش مطلق قوانین است:

"Piety is a form of compliance, a strict and unquestioning submission." (Chapter 20) (همان: ۱۳۵)

فضیلت

فضیلت در جمهوری گلیاد نه یک ویژگی اخلاقی که یک الزام اجتماعی است. زنان موظف‌اند برای حفظ شرف خود در چهارچوبی محدود زندگی کنند و به‌طور کامل از آزادی‌های شخصی خود چشم‌پوشند:

"Virtue means obedience, it means being quiet and still. It means no resistance." (Chapter 13) (همان: ۸۹)

دولت گلیاد

دولت گلیاد به عنوان یک رژیم ایدئولوژیک و دینی در رمان آتوود به طور مکرر مطرح می شود و به طور خاص برای توجیه اقدامات سرکوبگرانه از زبان دینی استفاده می کند:

"The Republic of Gilead is based on principles of divine order. There are no exceptions to the rule." (Chapter 7) (همان: ۴۸)

دستورات

در گلیاد، دستورات همواره از سوی مقامات عالی رتبه به طور مداوم صادر می شود و هیچ نوع نافرمانی پذیرفته نمی شود. این دستورات منعطف نبوده و سرکوب کامل را در پی دارند:

"The orders come down. We must obey, without question. There is no room for disobedience." (Chapter 9) (همان: ۶۳)

چشم‌ها

«چشم‌ها» نمادی از نظارت دائمی و سیستم امنیتی در گلیاد هستند. این اصطلاح به طور مکرر در رمان برای اشاره به دایره نظارتی استفاده می شود که حتی بر افکار افراد نظارت دارد:

(همان: ۹۵) "The Eyes are everywhere. They are always watching, waiting." (Chapter 14)

آغاز دوباره

این عبارت برای توجیه تغییرات اجتماعی و سیاسی در جمهوری گلیاد به کار می‌رود. آتوود از آن برای معرفی

ایدئولوژی‌هایی استفاده می‌کند که در ظاهر اصلاحات مثبت به نظر می‌رسند ولی در باطن سرکوبگرانه‌اند؛

(همان: ۴۲) "A new beginning, they say. The start of something holy and pure." (Chapter 6)

تقدس

در جمهوری گلیاد، تقدس نه تنها برای مسائل مذهبی بلکه برای نهادهای سیاسی و اجتماعی نیز به کار می‌رود. این واژه برای

توجیه تسلیم و فرمانبرداری از قوانین سرکوبگر استفاده می‌شود؛

(همان: Chapter 22) "Sanctity is found in submission, in obedience to the will of God."

(۱۵۰)

برکت به میوه

یکی از عبارات کلیدی در جمهوری گلیاد که در ظاهر به عنوان یک دعای دینی به کار می‌رود، در حقیقت به عنوان ابزاری

برای نظارت و کنترل زنان و وضعیت تولیدمثل آنان است؛

(همان: ۸۹) "Blessed be the fruit. May you be fruitful, for the Lord has willed it." (Chapter 13)

بازگشت به خانه

این اصطلاح در رمان به عنوان فشار اجتماعی به زنان برای بازگشت به نقش‌های سنتی خود استفاده می‌شود، جایی که زنان

فقط به عنوان تولیدمثل‌کننده و خانه‌دار شناخته می‌شوند؛

(همان: Chapter 16) "Return to the home, where you belong, where you are most needed."

(۱۱۰)

این ارجاعات از سرگذشت ندیمه نشان می‌دهند که آتوود چگونه از گفتمان‌های مذهبی و سیاسی برای بازنمایی ساختارهای

قدرت و سرکوب در جمهوری گلیاد استفاده کرده است. زبان و گفتمان در این رمان نه تنها ابزاری برای بازنمایی قدرت

هستند، بلکه درعین حال می‌توانند به عنوان ابزاری برای مقاومت و تغییر در برابر نظام‌های دیکتاتوری به کار روند.

این ارجاع‌ها به نقل از بخش‌های معروف و شناخته‌شده کتاب آمده‌اند و شامل بخش‌های برجسته‌ای هستند که در آنها واژه‌ها

و مفاهیم کلیدی در ارتباط با قدرت، سرکوب و مقاومت در رمان آتوود به کار رفته‌اند.

۵- یافته‌ها و تحلیل

گزینش واژگانی و بازنمایی ایدئولوژیک

تحلیل واژگان نشان می‌دهد که گفتمان رسمی گلیاد از طریق راهبردهای زیر عمل می‌کند:

الف. واژگان مذهبی: استفاده از عباراتی مانند:

- «خدمت مقدس» (به جای رابطه جنسی)

«این یک خدمت مقدس است. این یک موهبت است. این چیزی است که ما برای آن آفریده شده‌ایم.» (فصل تکلیف)

(آتوود، ۱۹۸۵: ۱۱۲)

- «مراسم باروری» (به جای تجاوز سازمان یافته)

«مراسم باروری هر ماه در اتاق خواب فرمانده انجام می‌شود.» (فصل مراسم باروری) (همان: ۱۱۰)

- «ندیمه‌های خدا» (به جای زنان)

«ما ندیمه‌های خدا هستیم، و وظیفه‌مان باروری است.» (فصل ندیمه‌ها) (همان: ۱۱۰)

ب. واژگان بیولوژیک: کاهش زنان به عملکردهای تولیدمثلی:

- «رحم قابل استفاده»
- «تنها چیزی که مهم است رحم قابل استفادهٔ توست.» (فصل صبحانه) (همان: ۸۰)
- «دستگاه تولیدمثل»
- «آنها ما را فقط به عنوان دستگاه تولیدمثل می بینند.» (فصل خریدها) (همان: ۱۰۵)
- «وضعیت باروری»
- «وضعیت باروری تو باید ماهانه بررسی شود.» (فصل بازرسی) (همان: ۶۸)

ج. حذف هویت فردی؛ جایگزینی نام‌های شخصی با عناوین:

- «آفرد» به «ندیمه آفرد»
- «من Offred هستم، ندیمهٔ فرمانده.» (فصل معرفی) (همان: ۳)
- استفاده از پیشوند «Of» برای ارتباط با فرمانده‌ها، مانند Offred.
- «نام من Ofglen است، چون فرمانده‌ام Glen است.» (فصل همدم‌ها) (همان: ۵۶)

استعاره‌های قدرت

رمان از استعاره‌های کلیدی زیر برای طبیعی‌سازی قدرت استفاده می‌کند:

الف. استعاره مذهبی:

- جامعه به‌عنوان «پادشاهی خدا»
- «گلیاد پادشاهی خداست، و ما خدمتگزاران او هستیم.» (فصل موعظه) (آتوود، ۱۹۸۵: ۸۹)
- فرمانده‌ها به‌عنوان «پیامبران»
- «فرمانده‌ها پیامبران این عصر جدید هستند.» (فصل دیدار) (همان: ۱۶۵)
- زنان بی‌فرزند به‌عنوان «گناهکاران»

ب. استعاره مکانیکی:

- بدن زنان به‌عنوان «ماشین تولیدمثل»
- «بدن ما ماشین‌هایی است که باید به‌درستی کار کنند.» (فصل تمرین) (همان: ۷۵)
- روابط جنسی به‌عنوان «فرایند صنعتی»

ج. استعاره پزشکی:

- کنترل اجتماعی به عنوان «درمان»
- مقاومت به عنوان «بیماری»
- «اگر مقاومت کنی، باید درمان شوی.» (فصل مجازات) (همان: ۱۲۳)

وجه و روابط قدرت

تحلیل وجه در گفت و گوها نشانگر سلسله مراتب قدرت است:

الف. فرمانده‌ها:

- جملات امری قطعی: «این اتاق تو خواهد بود»
- «این اتاق تو خواهد بود. اینجا بمان.» (فصل ورود) (آتوود، ۱۹۸۵: ۱۴)
- جملات اخباری بدون تعدیل: «این اراده خداوند است»

ب. ندیمه‌ها:

- وجه التزامی: «شاید بتوانم...»

«شاید بتوانم کمی بیشتر استراحت کنم؟» (فصل درخواست‌ها) (همان: ۴۷)

• جملات پرسشی: «آیا اجازه دارم...؟»

• جملات شرطی: «اگر موافق باشید...»

اسم‌سازی و طرد کنشگران

فرایندهای اسم‌سازی در خدمت پنهان‌سازی خشونت:

الف. تبدیل کنش‌ها به نهادهای انتزاعی:

• «تکلیف» (به‌جای تجاوز)

• «تکلیف تو این است که بارور شوی.» (به‌جای «ما تو را مجبور به بارداری می‌کنیم.») (فصل تکلیف) (آتوود، ۱۹۸۵:

(۱۱۲)

• «خدمت» (به‌جای بردگی جنسی)

ب. حذف عامل در فرایندهای اجتماعی:

- «شما اختصاص داده شده‌اید» (به جای «ما شما را انتخاب کرده‌ایم») (همان: ۳۵)
- «تصمیم گرفته شده» (به جای «ما تصمیم گرفته‌ایم»)
- «تصمیم گرفته شده که تو اینجا بمانی...» (به جای «ما تصمیم گرفتیم») (فصل انتقال) (همان: ۶۲)

گفتمان مقاومت

آفرد از راهبردهای زیر برای مقاومت گفتمانی استفاده می‌کند:

الف. بازگویی نام واقعی:

- استفاده از نام «جون» (نام پیشین خود)
- «نام من جون بود. هنوز هم هست، در خاطرم.» (فصل خاطرات) (آتوود، ۱۹۸۵: ۱۳۵)
- یادآوری نام دوستانش (مانند ماریا)
- «چه افتخاری است که یک رحم مقدس داشته باشی.» (فصل تکلیف) (همان: ۱۱۰)

ب. روایت درونی:

- تفسیر شخصی از رویدادها

آفرد در ذهن خود رویدادهای رسمی گلیاد را به شکلی کاملاً شخصی و انتقادی بازخوانی می کند:

«آنها این را مراسم باروری می نامند. مثل این است که بگوییم زنای با محارم یک مهمانی خانوادگی است.» (فصل مراسم

باروری) (همان: ۱۱۳)

• طنز و کنایه پنهان

• «ما برای آزادی واقعی نگران بودیم. حالا می فهمم که آزادی واقعی یعنی آزادی از انتخاب.» (فصل خاطرات

گذشته) (همان: ۱۹۵)

ج. تخیل و رؤیا:

• خیال پردازی درباره فرار

آفرد مدام به فرار فکر می کند:

«گاهی تصور می کنم از دیوارها بالا می روم، مثل یک قهرمان فیلم های قدیمی. اما اینجا هیچ دوربینی نیست که حرکاتم

را ضبط کند.» (فصل دیوارها) (همان: ۱۴۵)

رؤیای پیوستن به مقاومت:

«شاید Mayday واقعی باشد. شاید کسی بیرون منتظر من است.» (فصل شانه ها) (همان: ۲۲۵)

- یادآوری گذشته

خاطراتی از زندگی پیش از گلیاد:

«یادم می‌آید که با لوک در پارک قدم می‌زدیم و بستنی می‌خوردیم. حالا بستنی یک رؤیاست، مثل دایناسورها.»

(فصل بستنی) (همان: ۱۲۸)

یادآوری دوستان از دست‌رفته:

«ماریا کجا است؟ آیا او هم تبدیل به یک ندیمه شده، یا مثل مونا به «کلونی‌ها» فرستاده شده است؟» (فصل نام‌ها) (همان:

۱۵۰)

۶- جمع‌بندی

این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از تکنیک‌های تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است. داده‌ها شامل

نمونه‌های متنی از رمان است که براساس معیارهای زیر انتخاب شده‌اند:

- بازنمایی گفتمان رسمی گلیاد

- نمونه‌های گفتمان مقاومت

- گفت‌وگوهای بین شخصیت‌ها

- روایت راوی

گزینش واژگانی و طبقه‌بندی ایدئولوژیک

نظام گفتمانی گلیاد از طریق واژگان خاص، واقعیت اجتماعی را بازتعریف می‌کند:

- استفاده از عنوان «ندیمه» به جای نام شخصی (حذف هویت فردی)

- ترکیبات مذهبی مانند «مراسم باروری» (تقدیس سکسوالیته)

- واژگان بیولوژیک مانند «رحم قابل استفاده» (شیء‌انگاری بدن)

استعاره‌های قدرت

استعاره‌های کلیدی در رمان:

- بدن زن به عنوان «ظرف مقدس»

- جامعه به عنوان «بدن سالم» که نیاز به «پاکسازی» دارد

- زنان نابارور به عنوان «ناقص»

وجهیت و روابط قدرت

تحلیل وجهیت در گفت و گوها نشان می دهد؛

- فرمانده ها از وجه اخباری قطعی استفاده می کنند («تو اینجا خواهی ماند»)
- ندیمه ها از وجه التزامی و محافظه کارانه («شاید بتوانم...»)
- جملات مجهول برای حذف عامل («به شما اختصاص داده شده اید»)

اسم سازی و طرد کنشگران

فرایندهای اسم سازی مانند:

- تبدیل کنش به شیء («تکلیف» به جای «تجاوز»)
- حذف عامل در فرایندهای اجتماعی («انتخاب شده اید» به جای «ما شما را انتخاب کرده ایم»)

گفتمان مقاومت

راهبردهای زبانی آفرد در مقاومت:

- استفاده از نام واقعی به جای عنوان رسمی

- روایت درونی و مخالف خوانی گفتمان رسمی

۷- نتیجه

نگارندگان پس از ارزیابی تحلیل گفتمان‌ها از منظر ساخت گرای، براساس چهارچوب متمرکز و روش مند فرکلاف، به این نتایج دست یافته‌اند. در این تحلیل گفتمان، با استفاده از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، بررسی شد که چگونه مارگرت آتوود از زبان و گفتمان برای ساخت جهانی دلهره‌آور و سرکوبگر در «سرگذشت ندیمه» استفاده کرده است. از طریق بررسی ساختار زبانی، روابط قدرت و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، این رمان نه تنها به نقد جامعه و ساختارهای قدرت می‌پردازد، بلکه هشدارهایی را درباره خطرات سرکوب‌های جنسیتی و دینی در جوامع مدرن ارائه می‌دهد.

با استفاده از سه سطح تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، می‌توانیم نشان دهیم که زبان و گفتمان‌ها در سرگذشت ندیمه نقش بسیار مهمی در بازنمایی روابط پیچیده قدرت و سرکوب ایفا می‌کنند. در سطح توصیف، این گفتمان‌ها شناسایی و توصیف می‌شوند. در سطح تفسیر، معانی پنهان و پیام‌های اجتماعی و سیاسی این واژه‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرند و در نهایت در سطح تبیین، به چگونگی بازتولید و تغییر قدرت از طریق این گفتمان‌ها پرداخته می‌شود. این تحلیل‌ها نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ زبان و قدرت در رمان آتوود هستند و اهمیت نقد گفتمان در درک عمیق‌تر روابط اجتماعی و سیاسی را نمایان می‌کنند.

نقد سطح نوشتاری مارگرت آتوود در سرگذشت ندیمه از منظر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف نشان می‌دهد که زبان در این اثر نه تنها برای روایت داستان به کار می‌رود، بلکه به عنوان ابزاری برای بازتولید ساختارهای قدرت و سرکوب عمل می‌کند. آتوود از طریق انتخاب دقیق زبان و گفتمان‌های خاص، ساختارهای اجتماعی و سیاسی موجود در جمهوری گلیاد را به شکلی متقاعدکننده و جذاب به تصویر می‌کشد. در این تحلیل، قدرت زبان در بازتولید هژمونی و همچنین در مقابله با آن، به خوبی نمایان است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رمان آتوود به صورتی هنرمندانه از ابزارهای زبانی برای نمایش رابطه قدرت و مقاومت استفاده می‌کند. از یک سو، گفتمان رسمی گلیاد با طبیعی‌سازی زبان، قدرت خود را تثبیت می‌کند و از سوی دیگر، راوی با زیر پا گذاشتن این قواعد زبانی، مقاومت را امکان‌پذیر می‌سازد.

این پژوهش از چند جهت حائز اهمیت است:

نشان می‌دهد که ادبیات می‌تواند هم بازتابنده گفتمان‌های مسلط باشد و هم ابزاری برای نقد آنها.

الگویی عملی برای تحلیل متون ادبی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ارائه می‌دهد.

رابطه دیالکتیک بین زبان و قدرت را در یک اثر ادبی پرآوازه آشکار می‌سازد.

این پژوهش نشان داد که رمان آتوود آزمایشگاه زبانی پیچیده‌ای است که هم سازوکارهای قدرت را آشکار می‌سازد و هم

امکان مقاومت را. یافته‌های اصلی عبارت‌اند از:

گفتمان رسمی گلیاد از طریق بسته‌زبانی خاصی، زنان را در نقش‌های محدود تعریف می‌کند.

راوی با زیر پا گذاشتن قواعد گفتمانی حاکم، فضایی برای مقاومت می‌سازد.

تحلیل گفتمان انتقادی ابزار قدرتمندی برای خوانش متون ادبی به‌عنوان میدان نبرد گفتمانی است.

این پژوهش مسیرهایی برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌کند؛ ازجمله تحلیل مقایسه‌ای گفتمان مقاومت در ادبیات

پادآرمان‌شهری و مطالعه تطبیقی بازنمایی زنان در گفتمان‌های ادبی و سیاسی.

منابع

- ۱- آتوود، مارگرت، (۱۳۹۶)، سرگذشت ندیمه، سهیل سمی، تهران: انتشارات ققنوس.
 - ۲- ابراهیمی، قاسم؛ اناری بزجلوئی، ابراهیم؛ سجادی، سید ابوالفضل؛ جرفی، محمد، (۱۳۸۹)، «تحلیل گفتمان انتقادی رمان چهارگانه "الخصوف" براساس رویکرد "نورمن فرکلاف"»، نشریه نقد ادب معاصر عربی، دوره ۹، شماره ۱۷، پیاپی ۱۹، صص ۷۲-۴۹.
 - ۳- بهرامی رهنما، خدیجه؛ آریان، حسین، (۱۳۹۹)، «تحلیل گفتمان انتقادی رمان "ماهی‌ها در شب می‌خوابند" براساس آرای نورمن فرکلاف»، نشریه متن‌پژوهی ادبی، دوره ۲۴، شماره ۸۵، صص ۳۱۴-۲۸۵.
 - ۴- جهانگیری، جهانگیر؛ بندرریگی زاده، علی، (۱۳۹۲)، «زبان، قدرت و ایدئولوژی در رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف به تحلیل گفتمان»، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری (پژوهش علوم سیاسی)، دوره ۸، شماره ۱۴، صص ۸۲-۵۷.
 - ۵- حاجی زاده، مهین؛ قهرمان پور، معصومه، (۱۳۹۸)، «بررسی و نقد ام‌سعد و دختر شینا براساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۹، شماره ۴، پیاپی ۳۶، صص ۳۷-۱۹.
- زمستان ۱۴۰۳ ❖ شماره ۶۲ ❖ دوره پانزدهم ❖ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی

۶ - شرکت مقدم، صدیقه؛ نواب زاده شفیعی، سپیده؛ سیمین فر، سارا، (۱۴۰۰)، «تحلیل گفتمان انتقادی شما که غریبه نیستید براساس رویکرد نورمن فرکلاف»، نشریه پژوهش نامه ادبیات داستان، دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۳۵، صص ۴۰ - ۲۱.

۷ - قاسمی، روح الله، (۱۳۹۸)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات اندیشه احسان.

منابع لاتین

- Atwood, M. (1985). The handmaid's tale. Toronto: Everyman's library.
- Baker, P. and Ellece, S. (2011). Key terms in discourse analysis. London Press.
- Baker, P. (2006). Representing Afghan migrants in The Enemy's Country by Mohammad Hossein Mohammadi: A corpus-based discourse analysis. Using Corpora in Discourse Analysis (pp. 132-150). Bloomsbury.
- Bloomaert, J. (2005). Discourse: A critical Introduction. Cambridge and New York: Chamboredon University Press.
- Fairclough, N. (1992a). Critical language awareness. London: Longman.
- Fairclough, N. (1992b). Discourse and social change. Cambridge: Polity press.
- Fairclough, N. (1995). Critical discourse analysis. London: Longman.
- Fairclough, N. (1998). Political discourse in media. Oxford: Blackwell.

Fairclough, N. (2010). Critical discourse analysis: The critical study of language. London: Longman.

Fairclough, N., & Wodak, R. (1997). Critical discourse analysis of George Orwell's *1984*: Language as a tool of ideological control. In Discourse as social interaction (Vol. 2, pp. 258-284). Sage Publications.

Mills, S. (2008). Masculinity and nature in Jack London's The Call of the Wild: A feminist critical discourse analysis. Language and Sexism, 15(3), 201-220. Cambridge University Press.

Said, E. (1993). Colonial discourse in Joseph Conrad's Heart of Darkness. In Culture and imperialism (pp. 19-31). Vintage Books.

Van Dijk, T. (2005). Race and power in Toni Morrison's Beloved: A critical discourse analysis. Journal of Literary Semantics, 34(2), 145-167.

A Critical Discourse Analysis of Margaret Atwood's *The Handmaid's*

Tale Using Norman Fairclough's Framework

Abstract

This study analyzed Margaret Atwood's *The Handmaid's Tale* from the perspective of Norman Fairclough's Critical Discourse Analysis (CDA) at three levels: description, interpretation, and explanation. At the description level, the linguistic and structural features of the novel were examined. At the interpretation level, the power discourses constructed in the novel were analyzed, revealing how language was employed to represent power relations and oppression. Finally, at the explanation level, the processes of reproducing and challenging power hegemony through language were elucidated. The findings indicated that Atwood consciously employed these discursive mechanisms to expose power structures. This study highlighted the significance of critical discourse analysis in interpreting literary texts as reflections of power dynamics in society.

Keywords: Critical Discourse Analysis, Ideology, Norman Fairclough, Power Discourse, *The Handmaid's Tale*.

Masoomah Asadollah Sharifi

PhD Candidate in Linguistics, Takestan Azad University, shrfshadi@gmail.com

Zohreh Safavizadeh Sohi

PhD in Linguistics, Assistant Professor of Takestan Azad University, naghme_linguist@yahoo.com

Fatemeh Azimifard

PhD in Linguistics, Researcher at IRIB research center, azimifard.m@gmail.com

Marjan Taheri Osgouei

PhD in Linguistics, Assistant Professor of Takestan Azad University, ms_osgouei@yahoo.com

